

مؤلفه‌های معنایی واژه «سعی» در قرآن کریم*

زهرا گلدانی^۱

علی احمد ناصح^۲

چکیده

از دیدگاه قرآن کریم، سعی انسان نزد خداوند، از ارزش خاصی برخوردار است. با این وجود پژوهشگران کمتر به این واژه پرداخته‌اند. جستار پیش‌رو با هدف واکاوی مؤلفه‌ها و شبکه معنایی واژه «سعی» در قرآن، از علم معناشناسی استفاده برده است. بدین منظور با استفاده از همنشین‌های این واژه، به شناسایی مؤلفه‌های بنیادین و شبکه معنایی این کلمه با روش معناشناسی و تحلیل آیات مرتبط پرداخته شده است. معناشناسی کمک خواهد کرد که معنایی بر اساس قرآن از واژه دریافت شود که سبب فهم بهتر، دقیق‌تر و عمیق‌تر از آیات خواهد شد و به ترجمه‌های قرآن کریم و تفاسیر کمک شایانی کند. یافته‌ها حاکی از آن است که «سعی» دارای معنی واحد با مؤلفه‌های «زنده بودن، به‌کارگیری توان و نیرو، حرکت، در مورد انسان جهت، و فراوانی به تناسب هدف و اقتضائات موضوع» است. همچنین در یک طبقه‌بندی، سعی در قرآن، به انسان و غیر انسان نسبت داده شده است. سعی برای غیر انسان، همراه با حرکت و جنبش و جلوه‌ای از حیات برای این موجودات است. سعی در کتاب خدا، به خداوند نسبت داده نشده است.

واژگان کلیدی: سعی، قرآن کریم، مفردات قرآن، معناشناسی، هم‌نشینی، مؤلفه‌های معنایی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه قم، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، قم، ایران (نویسنده مسئول)/

goldani.sadat@gmail.com

۲. استاد دانشگاه قم، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، قم، ایران/ aliahmadnaseh@yahoo.com

۱ - مقدمه

قرآن پژوهان بر این باورند که بهره‌برداری و استفاده از حقایق معارف، احکام و آداب قرآن کریم، منوط به فهم و درک کلمات و مفردات قرآن به صورت تحقیقی و عمیق است و لازم است نخست کنکاش در راه درک و فهم این کلمات و مفردات انجام گرفته، آن گاه به تفسیر پرداخته شود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹). آگاهی از معنای واژگان قرآن کریم یکی از دانش‌های مقدماتی برای فهم و تفسیر این کتاب الهی بوده و در طول قرن‌های متمادی منجر به تألیف آثار علمی متعدد در قالب مفردات، غریب القرآن و ... گردیده است. با وجود همه‌ی این تلاش‌ها، واژگانی از قرآن کریم وجود دارند که بخشی از مؤلفه‌های معنایی‌شان روشن و واضح نیست. در مراجعه به کتب لغت و تفسیرهای قرآن کریم تشکیلی در تبیین واژه «سعی» دیده می‌شود. در بعضی از آیات مفسران به آسانی از این واژه عبور کرده و یا آن را به کلمات به ظاهر مترادف ترجمه کرده، در مواردی هم، تبیین خوبی از این واژه صورت نپذیرفته و تفاوت آن با واژه‌های به ظاهر مترادف، مد نظر قرار نگرفته است. برای مثال: علامه طباطبایی در آیات ۹۴ از سوره انبیاء و ۳۵ از سوره نازعات؛ طبرسی در جوامع الجامع در تفسیر آیه ۱۰۴ از سوره کهف؛ ابوالفتح رازی در شرح آیه ۶۴ از سوره مانده ... سعی را همان سعی معنی کرده‌اند و در المیزان، این واژه در تفسیر آیه ۲۰ از سوره قصص و ۶۶ از سوره طه و در جوامع الجامع در آیه ۲۰ از سوره قصص و ... اصلاً معنی نشده است و یا به عمل معنا شده است مانند المیزان در تفسیر آیه ۴ از سوره لیل و آیه ۹ از سوره غاشیه و آیه ۲۲ از سوره انسان و در جوامع الجامع در شرح آیه ۱۰۴ از سوره کهف.

یکی از اصول مورد استفاده برای یافتن معانی واژگان قرآن حکیم، اصل عدم ترادف است. نگارنده معتقد است، الفاظ مترادف در کتاب الهی بسیار نادر است. پس بنا را بر عدم ترادف گذاشته و تلاش می‌شود برای واژه «سعی» معنایی خاص دریافت گردد.

در این پژوهش نشان داده خواهد شد که از مترادف‌های واژه سعی در قرآن، به دلیل تفاوت در مؤلفه‌های معنایی، استفاده نشده است. محققان معتقدند که مؤلفه‌های معنایی یا شرایط لازم و کافی، ویژگی‌هایی هستند که مفهوم واژه‌ها را تشکیل می‌دهند و وجوه اشتراک و افتراق مفاهیم را می‌نمایانند. به عنوان مثال، انسان بودن و مونث بودن شرایط لازم مفهوم زن است و بالغ بودن چون آن را از مفهوم دختر متمایز می‌کند شرایط کافی برای آن محسوب می‌شود (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۷۱). با تعیین عناصر معنایی واژه سعی و تحلیل آن می‌توان به این نتیجه رسید که این واژه چه مؤلفه‌هایی را در بر می‌گیرد و نسبت به کلمه‌های هم‌معنای خود چه عناصری را اضافه یا کم دارد. «سعی» با بعضی از کلمات قرآنی چون «عمل»، «مشی» و ... در تفاسیر و کتب لغت هم‌معنا فرض گردیده، ولی بدون شک دو واژه هم‌معنا نمی‌توانند با یکدیگر جابه‌جا شوند، زیرا موثرترین عامل در انتخاب یک واژه و چشم‌پوشی از واژه‌های هم‌معنای دیگر، مؤلفه‌های معنایی آن کلمه و بافت موقعیتی هر آیه است.

هدف اصلی این پژوهش «دستیابی به مؤلفه‌های معنایی و حوزه‌های معنایی واژه سعی در قرآن کریم» بوده و پرسش اصلی تحقیق این است که «مؤلفه‌های معنایی واژه سعی و حوزه‌های معنایی مرتبط با آن در قرآن کریم کدامند؟» پرسش فرعی این است که آیا در انواع سعی در قرآن مؤلفه‌های معنایی استخراج شده مصداق دارند؟

با جستجوی انجام شده در سایت‌های معتبر، تنها دو مقاله در موضوع سعی یافت شد:

۱- «وجوه معنایی واژه سعی در قرآن»، مقاله‌ای است که در چهارمین همایش ملی قرآن کریم، سفینه النجاه عصر ارائه شده است (سلیمانی، ۱۳۹۰، صص ۸۴۰-۸۴۸). در این مقاله، «سعی» به معنای نهایت کوشش انسان در مسیر زندگی معنا شده که به معنای عامیانه سعی که در جامعه مد نظر قرار می‌گیرد، نزدیک است. سپس با استناد به همین معنا، انسان بیکار را مایه فساد جامعه و بیکاری را عامل تباهی خوانده که این نتیجه از مفهوم قرآنی سعی به دور است. چه بسا پرکاری‌هایی که جامعه را به فساد کشیده‌اند به این دلیل که در جهت مقاصد و خواسته‌های نفسانیشان سعی نموده‌اند.

۲- «بررسی هم‌معنایی در گفتمان قرآنی بر پایه تحلیل مؤلفه‌ای» (راستگو و فرضی شوب، ۱۳۹۶، صص ۱۱-۳۴). این مقاله در شماره ۱۶، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی به چاپ رسیده است. نویسندگان ذیل بحث هم‌معنایی، مثال‌هایی را در مقاله مطرح کرده‌اند که یکی از آن‌ها واژه «سعی» در مقایسه با «مشی» بوده است. هدف اصلی مقاله بررسی مطلق هم‌معنایی در قرآن کریم بوده است. شایان ذکر است که نویسندگان در استفاده از «التحقیق» دقت کافی به کار نبرده، مقدمه التحقیق را ملاک کار قرار داده و نظر لغت‌شناسان دیگر را به جای نظر علامه مصطفوی نقل کرده‌اند و در نتیجه، افزون بر آنکه معنای درستی برای واژه سعی استخراج نشده، مؤلفه‌های معنایی صحیحی هم برای این واژه انتخاب نگردیده است.

این تحقیق از روش معناشناسی ساختگرا بهره برده است که یکی از جدیدترین روش‌های فهم معانی قرآن به شمار می‌رود. «معناشناسی ساختگرا گونه‌ای از معناشناسی است که در چهارچوب روابط معنایی به وصف و تبیین معنا می‌پردازد. روابط معنایی را می‌توان در دو سطح واژه و جمله بررسی کرد» (اکبری‌راد، ۱۳۹۵، ص ۸). کلمات قرآن علاوه بر معنایی که از خود دارند و آن را معنای اساسی می‌نامند، معنای نسبی نیز پیدا می‌کنند که دلالت تضمینی بر معنای خاص و اسلامی دارد (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۱۵). معناشناسی به دنبال آن است تا با مطالعه علمی معنا، به استخراج معنای نهفته در متن و کشف لایه‌های معنایی آن بپردازد. به همین دلیل، در ابتدا به برش و تقطیع متن می‌پردازد و پس از بررسی معنای این قطعات، اتصال آن‌ها به یکدیگر را برای دستیابی به یک کل معنایی آغاز می‌کند. از سویی، یک مفهوم کلیدی را به عناصر و اجزاء ذاتی [مؤلفه‌های معنایی] خود تجزیه کرده و از سوی دیگر، هر مفهوم کلیدی را با مفاهیم پیرامونی آن گرد می‌آورد، تا تصویری کامل از آن ارائه نماید و برای این منظور، هر آن چه در وضوح این تصویر به کار آید، مورد استفاده قرار می‌دهد. در این روش از ارتباط میان واژه‌ها، جمله‌ها و آیات، استفاده می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۲۱). مطالعات قرآنی نشان دهد که این علم با ارائه راهکارهایی نظام‌مند برای این قسم تحقیقات، علاوه بر ارائه تعریفی دقیق از مفاهیم مورد مطالعه و تبیین جایگاه آن مفهوم در میان سایر مفاهیم قرآنی، موفق به کشف لایه‌های جدیدی از یک مفهوم گشته و در تعمیق معانی مستخرج از آیات نقش به‌سزایی دارد. روابط مفهومی به دو گروه روابط مفهومی ترکیبی و بدلی تقسیم می‌شود. این پژوهش از روابط مفهومی ترکیبی سود برده است.

روابط ترکیبی، رابطه واژه‌هایی است که در کنار یکدیگر به کار می‌روند و «نوعاً میان الفاضلی برقرارند که از مقولات دستوری مختلف‌اند؛ مثلاً اسم‌ها، صفت‌ها و فعل‌ها، که در ترکیب با یکدیگر سازه‌های دستوری خوش ساخت پدید می‌آورند» (لاینز، ۱۳۹۱، ص ۱۹۰). به واژه پیرامون کلمه مورد نظر، کلمات هم‌نشین گفته می‌شود (امینی، ۱۳۹۲، ص ۲۲) که در ترکیب اسنادی، وصفی، اضافی و حرفی با واژه مورد نظر به کار می‌رود (نکونام، ۱۳۹۰، ص ۳۴۵). یعنی این واژگان بایستی طبق روال خاصی بر یک محور افقی کنار هم قرار بگیرند که این محور را محور هم‌نشینی می‌نامند (خوانین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۰). هم‌نشینی واحدهای زبانی بر محور هم‌نشینی سبب می‌شود مفهوم هر واحد زبان بر مفهوم واحدهای هم‌نشینی تأثیر بگذارد که به این فرایند، انتقال معنایی گفته می‌شود و از طریق افزایش معنایی یا کاهش معنایی، منجر به تغییر در معنای واحدهای هم‌نشین می‌گردد (صفوی، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

در این پژوهش پس از احصاء کلمات هم‌نشین با واژه سعی، بر اساس بافت زبانی به تبیین و تعریف معنا پرداخته خواهد شد و مؤلفه‌های معنایی واژه استخراج می‌گردد؛ سپس با توجه به مؤلفه‌ها و حوزه‌های معنایی، شبکه معنایی این واژه ترسیم خواهد گردید.

۲- سعی در قرآن

۲-۱- بسامد واژه «سعی»

ماده (س ع ی) با تمام مشتقاتش ۳۰ بار در ذیل ۲۸ آیه در قرآن کریم آمده است. ساختار فعلی آن به صورت فعل ماضی ۷ بار تکرار شده است (ر.ک: بقره: ۲/۱۱۴ و ۲۰۵؛ حج: ۲۲/۵۱؛ اسراء: ۱۷/۱۹؛ سباء: ۳۴/۵؛ نجم: ۵۳/۳۹؛ نازعات: ۷۹/۳۵) و به شکل فعل مضارع ۱۲ بار آمده است. (ر.ک: مائده: ۵/۳۳ و ۶۴؛ طه: ۲۰/۱۵ و ۲۰ و ۶۶؛ قصص: ۲۸/۲۰؛ سباء: ۳۴/۳۸؛ یس: ۳۶/۲۰؛ حدید: ۵۷/۱۲؛ تحریم: ۶۶/۸؛ نازعات: ۷۹/۲۲؛ عبس: ۸۰/۸) و فقط یک بار در ساختار فعل امر آمده است. (ر.ک: جمعه: ۶۲/۹) و در ساختار اسم ۱۰ بار بکار رفته است. (بقره: ۲/۲۶۰؛ اسراء: ۱۷/۱۹ (دو بار)؛ کهف: ۱۸/۱۰۴؛ انبیاء: ۲۱/۹۴؛ صافات: ۳۷/۱۰۲؛ نجم: ۵۳/۴۰؛ انسان: ۷۶/۲۲؛ غاشیه: ۸۸/۹؛ لیل: ۹۲/۴). نتیجه اینکه سعی ۲۰ بار در ساختار فعلی و ۱۰ بار در شکل اسمی در قرآن کریم آمده است.

۲-۲- واژه سعی در کتب لغت

سعی یعنی دویدن ولی نه به شدت، و در هر عملی اعم از خیر یا شر، می‌تواند اتفاق بیافتد (فراهیدی، ۱۴۹۰، ج ۲، ص ۲۵۲). بعضی سعی و ذهاب (رفتن) را به یک معنی آورده‌اند (زجاج بغدادی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۶). اصل سعی در کلام عرب به معنی تصرف (اقدام) در هر کاری و عمل است و به معنای قصد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۵۶) و کسب نیز بکار می‌رود (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۲۱). راغب می‌گوید: سعی مشی سریع است که به حد دویدن نیست و به طور استعاره به جدیت در امر اطلاق می‌شود، خواه امر خیر باشد یا شر. اکثر

استعمال آن در افعال پسندیده است و در آیاتی معنای کوشش و تلاش دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۱). صاحب مجمع البحرین سعی را هم معنا با عمل دانسته است (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۲۱۸). از نظر نویسنده قاموس قرآن، سعی به معنای تند رفتن و تلاش و کوشش است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۶۲). در این میان، علامه مصطفوی از دیدگاه اکثر لغویون فاصله گرفته و کوشیده است به یک اصل معنایی واحد در هر واژه دست یابد. حاصل مطالعات او گویای آن است که واژه‌های قرآنی همه به یک اصل معنایی برمی‌گردند و بقیه معانی، مصداق‌های همان معنا هستند. در التحقیق واژه سعی چنین معنا شده است: «سعی مرتبه‌ای از جهد (تلاش) است و جهد، سعی بلیغ به منتهای نهایت است و این معنا در موارد مختلف، فرق می‌کند. پس سعی در هر موضوعی بر حسب چیزی است که با آن تناسب دارد (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۱۳۳).

۳- تقسیم‌بندی سعی در قرآن

با بررسی مجموع آیات قرآنی می‌توان تقسیم‌بندی زیر را در مورد کاربرد واژه «سعی» در قرآن انجام داد:

۱- سعی انسان: اکثر آیات سعی به انسان برمی‌گردد؛ به طوری که از مجموع ۲۸ آیه، در ۲۲ آیه و ۲۵ بار تکرار، سعی انسان مطرح شده است.

۲- سعی غیر انسان

ابتدا هم‌نشینی در آیات مختص به انسان بررسی می‌گردد.

۳-۱- هم‌نشینی در آیات سعی مختص به انسان

برای آگاهی از مؤلفه‌های معنایی سعی، توجه به کاربردهای قرآنی آن ضروری است. بدین منظور روابط هم‌نشینی سعی را در آیات قرآن بررسی می‌شود.

۳-۱-۱- هم‌نشینی سعی با «فی الارض» و «فی الحیاة الدنیا»

یکی از واژگان هم‌نشین سعی «فی الارض» است. واژه «ارض» ۴۶۱ بار در قرآن کریم تکرار شده است که ۱۷۶ بار با قید «فی» همراه است. این واژه در همراهی با سعی ۳ بار به همراهی «فی» تکرار شده و قیدی برای فعل یا شبه فعل محسوب می‌گردد. با توجه به آیه ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره: ۳۰/۲)، قید فی الارض نشان می‌دهد که مکان عمل خلیفه را خداوند در روی زمین قرار داده است. «منظور از الارض در این آیات، مکان و محدوده عمل انسان‌ها است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۲، ص ۳۷۸) و انسان وقتی عمل دارد و این خصوصیت را به منصفه ظهور می‌رساند که زنده است، زیرا پس از مرگ حیاتی خواهد داشت که در آن عمل وجود ندارد.

آیه ﴿الَّذِينَ صَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (کهف: ۱۸/۱۰۴) بر این مطلب شاهد است که سعی انسان مختص به زندگی دنیایی اوست که در روی زمین و به تبع آن در یک زندگی اجتماعی حضور دارد. حرکت، تولیدمثل، تغذیه و ... از خصوصیات موجود زنده است که موجب تولید نیرو و توان برای انجام کار خواهد شد. میزان صرف این نیرو بستگی به موضوع دارد و چون انسان موجودی مختار است، می‌تواند این نیرو را در جهات مختلف به کار گیرد، پس بردار نیرو جهت دارد.

آیه ﴿وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره: ۲/۲۰۵) به سعی منافقین در جامعه برای ایجاد فساد می‌پردازد. «تولی در خصوص کسی است که در تحت نظر دیگری نبوده و خود مستقلاً قیام به امری کند» (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۶۷) و این معنا نیازمند قدرت است و برای اعمال قدرت نیاز به جامعه است. در این آیه منافقین توان و نیروی خود را به کار می‌گیرند تا فساد که مصداق آن در اینجا نابودی حرث و نسل است در جامعه شکل بگیرد. ذیل آیه جهت بردار سعی را که غیر الهی است، نشان می‌دهد؛ زیرا خداوند چیزی را که بر خلاف امور تکوینی و تشریحی است، مبعوض می‌دارد. البته موفقیت و عدم آن در آیه مد نظر نیست، بلکه سعی بر این کار بغض و تنفر الهی را به دنبال دارد.

در آیه ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا﴾ (مانده: ۳۳/۵) سخن از سعی در ایجاد فساد در روی زمین است. بدیهی است فساد به دلیل تعارض منافع انسان‌ها که در زندگی اجتماعی و در جامعه وجود دارد، اتفاق می‌افتد. اگر چه ذیل این آیه مفسران به دلیل بحث محاربه و مجازات مطرح در آن بسیار سخن گفته‌اند، ولی در مورد سعی کمتر بحث شده است (نک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۹۵ / طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۳۲ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۵۸). در مجمع البیان آمده است سعی به منزله این است که گفته شود: «و یفسدون فی الارض فسادا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۹۵). روشن است که فساد با سعی مؤلفه مشترک نداشته و قابلیت جایگزینی ندارد. با عنایت به معنی حرب که شدت در عملکرد را می‌رساند (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۱۶) و عطف «محاربه» بر «یسعون» نشان می‌دهد که سعی همراه با شدت، فراوانی، تکرار در صرف توان و نیرو برای رسیدن به مقصود (در اینجا همان حرب با خدا و رسول) است. اما عذاب آن‌ها در دنیا خزی (رسوایی) و در آخرت عذاب عظیم عنوان شده است. با نگاهی به آیات دیگر (بقره: ۲/۱۱۴) متوجه می‌شویم که این عذاب برای کسانی که پایه‌های توحید را منهدم می‌کنند هم آمده است تا نشان‌دهنده جهت غیر الهی سعی این گروه باشد.

یافته اول: خاستگاه سعی انسان، جامعه و زندگی دنیوی اوست که ناچار از صرف نیرو و انرژی در آن است.

مصداق آیه ﴿وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (مانده: ۶۴ / ۵) قوم یهود هستند. توبیخ‌هایی که در آیه برای این قوم گفته شده، ﴿وَ لَعْنُوا بِمَا قَالُوا﴾ متناسب با میزان صرف نیرو و توانی است که بر حسب اقتضائاتی که پیش می‌آمده برای نابودی اسلام نو پا انجام می‌دادند. تاریخ هم گواه این مطلب است که

بهبود برای از بین بردن اسلام از انواع آزار و اذیت دریغ نمی‌کردند؛ حتی نقشه قتل پیامبر اکرم (ص) را در سر داشتن و البته بنا به آیات الهی، موفق نبودند. اما جهت بردار نیرو را عبارت پایانی «خداوند مفسدین را دوست ندارد». روشن کرده است.

یافته دوم: خداوند کسانی را که سعی در فساد روی زمین می‌کنند، دوست ندارد.

۳-۱-۲- هم‌نشینی واژه سعی با فعل «جاء»

در آیات مطرح شده در این قسمت ملاحظه می‌شود که آمدن مردانی از جایی به جایی دیگر برای انجام کاری مطرح است. حرکت از نشانه‌های موجود زنده است و نیازمند صرف توان و نیرو است و همچنین حرکت جهت دارد و «جاء غالباً برای ذوالعقول در نظر گرفته می‌شود، مجيء در مادیات ناگزیر در محدوده زمان و مکان تحقق می‌یابد» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۲).

آیه ﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى﴾ (قصص: ۲۸/۲۰) بیانگر آن است که مردی برای اطلاع‌رسانی از تصمیم فرعون برای قتل موسی از کاخ فرعون به حرکت در می‌آید. در این آیه خبررسانی به موسی مد نظر است و سرعت، در رسیدن قبل از فرعونیان بسیار مهم است. در روایتی چگونه آمدن آن فرد را بیان شده: «... مردی از هواداران موسی از دورترین مکان شهر، از راهی که میانبر بود و می‌توانست زودتر از فرعونیان به موسی برسد، به او آن خبر را رسانید» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۲۹۶۰). این فرد از همه نیرو و توانش در جهت رساندن خبر به موسی استفاده می‌کند و در راستای همین مأموریت از سرعت، استفاده از راه میانبر و مخفیانه، به طوری که فرعونیان خبردار نشوند، بهره می‌برد تا بتواند به هدف و مقصود برسد. به گفته یکی از مفسران «گاه، خبررسانی به موقع و سوز و سرعت در کار، سرنوشت یک ملت را عوض می‌کند. (چه بسا که اگر این مرد، اخبار را به موسی (ع) نمی‌رساند و آن حضرت از شهر بیرون نمی‌رفت، به دست مأموران فرعون کشته می‌شد)» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۳۴). کمیت نیرو را دوری راه و خطرناک بودن کار، به خوبی بیان می‌کند و اما خداوند جهت بردار نیرو را با واژه ناصح کرده است. این واژه ۱۳ بار در قرآن به کار رفته است و در چند آیه، خداوند انبیاء را ناصح معرفی می‌کند و در این آیه خداوند این مرد را ناصح دانسته است. ﴿إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾ یعنی جهت بردار نیرو الهی است.

در آیه، ﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى﴾ (یس: ۳۶/۲۰)، بافت زبانی آیه به تنهایی نمی‌تواند چگونگی و چرایی آمدن را توصیف کند؛ بلکه بافت موقعیتی بازنمایی شده در آیات ۱۴-۱۹ بیانگر وضع موجود است. در سوره قصص بعد از آمدن و خبر دادن، ماجرای آن مرد خبردهنده تمام می‌شود، چون اهتمام به زودتر آمدن و خبر دادن بود؛ اما در این آیه ماجرا تازه بعد از آمدن آغاز می‌شود، اگرچه هر دو از اقصی المدینه آمده بودند، ولی در داستان حضرت موسی (ع) چون کاخ موسی در آنجاست و آن مرد هم از آنجا می‌آمده، اقصی المدینه گفته شده است (به تفاوت آیات در قرار گرفتن کلمه رجل توجه شود). اما در سوره

یس نشان می‌دهد که محل زندگی آن مرد آن جا نیست و از راهی دور برای انجام وظایف حرکت می‌کند. مفسران در ذیل اقصی المدینه در این آیه می‌گویند: «برای حمایت از حق مسافت طولانی نباید مانع شود» (قرآنتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۵۳۰). همچنین برای حمایت از حق تنها بودن و اندک بودن او را به وحشت نمی‌اندازد و مانع از حرکتش نمی‌شود و به قول حضرت علی (ع): در راه حق از اندک بودن پیروان نهراسید (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱) یعنی نه دوری راه، نه تعداد زیاد کافران و نه تنهایی و نه حتی از شرایط سختی که ممکن است پیروی از حق برایش پیش بیاورد، هراسی به خود راه نمی‌دهد، تمام نیرو و توان خود را به کار می‌بندد تا بتواند از حق، پرستش الله و ایمان به انبیاء دفاع کند. استدلالات به جا و به موقع و معرفی خداوند به عنوان صاحب نفع و ضرر انسان، معرفی انبیاء به عنوان انسان‌های هدایت یافته، جزئی از سعی وی در راهی که قدم گذاشته است، می‌باشد. در نتیجه فقط حرکت از اقصی المدینه مورد نظر نیست، بلکه از آنجا شروع و با شهادت پایان می‌یابد. همچنین با توجه به بافت موقعیتی بازنمایی شده در آیات ۲۱-۲۵ و پاداش نیکویی که خداوند به این مرد اعطا می‌کند (ورود به بهشت و قرار گرفتن در ردیف مکرمین) و عنایت به اصل تناسب عمل و پاداش، روشن می‌شود که کمیت نیروی فرد بسیار بالا بوده است. جهت بردار نیرو از تمامی آیات قابل درک است؛ اما در آیه ۲۵ به صراحت ذکر شده است ﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ یعنی جهت الهی داشتن.

در آیه ﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى﴾ (عبس: ۸/۸۰) آمدن مردی مورد توجه قرار می‌گیرد که مؤمن است و می‌آید که بر ایمانش افزوده شود و خود را پاک کند. فردی که ناپینایی هم او را از تلاش برای یافتن حقیقت باز نمی‌دارد. معنی آمدن یک فرد ناپینا که به صورت عادی باید حرکت نکند و منتظر بماند تا به سمت او بروند، به کار بستن همه توان برای رسیدن به هدف (دریافت معارف دین از زبان رسول گرامی) است. یا به عبارت دیگر شتاب در آمدن مصداقی برای سعی است. با توجه به وضعیت و اقتضائات فرد، جهت بردار نیرو را آیات ۳ و ۴ و ۹ به خوبی تبیین می‌کنند و صفات «یزکی»، «ذکری» و «یخشی» نشان دهنده ایمان فرد سعی کننده و الهی بودن سعی اوست. یافته سوم: لازمه سعی، حرکت و حرکت استفاده از توان و نیرو در جهت مشخص است.

۳-۱-۳- هم‌نشینی با «شتی»

آیه ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾ (لیل: ۴/۹۲) سعی انسان را شتی ذکر می‌کند. شتی به معنای تفرق (پراکندگی) مخصوص و تفرق هر یک از اجزاء و اعضاء از دیگری در امور مادی یا معنوی است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۱۸). پس معنی این خواهد شد که سعی هر یک از افراد انسان با دیگری متفاوت است. این آیه بعد از سوگندهای سه‌گانه آمده و نشان می‌دهد که موضوع آیه بعدی بسیار مهم است. بافت موقعیتی آیه نشان می‌دهد که دو راه برای آدمی در حیات دنیوی وجود دارد؛ یکی در امر خیر و دیگری در شر. بافت زبانی آیه نشان می‌دهد که سعی انسان جهت‌دار است؛ و تنها بردار نیروست که جهت دارد. یعنی سعی، نیرو و توانی از انسان است که در دو جهت می‌تواند موجب حرکت شود: در جهت الهی یا غیر آن. اگر فرد «اعطی»،

«تقوا» و «صدّق بالحسنی» را در حیات دنیوی خویش برگزیند، جهت الهی را انتخاب کرده است و اگر فرد «بخل»، «استغنی» و «کذّب بالحسنی» را انتخاب کند در واقع، عکس فرامین الهی قدم برداشته و جهت سعی او غیر الهی خواهد بود و بخل در مقابل اعطی است. اگر انسان در این راه «استغنی» ورزد یعنی نقطه مقابل تقوا که رعایت حدود الهی است، برگزیند و به طغیان و تجاوز از حد اقدام کند، باورهای غلط وی، او را از مسیر الهی خارج می‌کند. بدیهی است که هر یک از این دو گروه برای انجام اقدامات خود جز صرف نیرو و توان چاره‌ای ندارند.

یافته چهارم: شتی بودن سعی: سعی انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است. می‌تواند الهی یا غیر الهی باشد.

۳-۱-۴- هم‌نشینی با «معجزین» و «آیات الهی»

عبارت ﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ﴾؛ «تلاش می‌کنند درباره ابطال آیات ما در حالی که به نظرشان عاجزکننده ما می‌باشند» با یک مفهوم واحد در سه آیه آمده است (حج: ۲۲/۵۱؛ سباء: ۳۴/۵ و ۳۸)، ولی قسمت دوم آیه که مجازات این افراد است در آیات متفاوت است. واژه معجزین بدین معناست کسانی که می‌پندارند و می‌اندیشند که ما را ناتوان می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۷). هم‌نشینی «آیات» و «معجزین» با سعی نتایجی را به دنبال دارد. اولاً مؤلفه فراوانی لازمه بافت این آیه است، زیرا اگر کسانی بخواهند جلوه‌های قدرت و نمادهای الهی (آیاتنا) را عاجز گردانند، چاره‌ای ندارند جز اینکه توان و نیروی حداکثری خود را به کار گیرند و متناسب با آن با بروزهای الهی به مبارزه و مسابقه برخیزند و این تلاش فقط در زندگی و حیات دنیوی انسان اتفاق می‌افتد وگرنه، در زندگی پس از مرگ انسان، اختیاری برای عمل کردن او وجود ندارد. ثانیاً جهت بردار نیرو از عذاب‌هایی که خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته، روشن است. در این آیات سه نوع مجازات مطرح می‌گردد: ۱- عذاب محضرون ۲- اصحاب الحجیم ۳- رجز الیم، هر سه عذاب نشان‌دهنده جهتی غیر خدایی برای این سعی هستند. واضح است که این اتفاق هرگز نمی‌افتد و هیچ یک از بندگان و مخلوقات نمی‌توانند حق تعالی را عاجز کنند.

یافته پنجم: هیچ توان و نیرویی در جهان نمی‌تواند خداوند را به عجز در آورد.

۳-۱-۵- هم‌نشینی با «یری»

﴿وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾ (نجم: ۴۰/۵۳) سعی و عمل انسان مطابق این آیه و آیات دیگر (زلزال ۸ و ۷) در روز قیامت دیده می‌شود. پس هم سعی و هم عمل در بروز خارجی و دیده شدن مشترک هستند و در واقع، جنس آن‌ها دیده شدنی است، اما با هم تفاوت دارند، آنچه این تفاوت را ایجاد کرده، فصل هر یک از آن‌ها است. در تعریف عمل گفته شده است: آن بخش از فعل است که در خارج ظاهر می‌شود و هر گاه در نسبت با جنبه وقوع و تحقق در خارج لحاظ شود، به آن عمل گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۲۷۳). آیاتی نشان‌دهنده

تحقق عمل در خارج هستند مثلاً: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران: ۳۰/۳) «روزی که هر کس، هر کار نیکی انجام داده حاضر بیابد و هر چه بدی کرده، آرزو می‌کند، ای کاش! بین آن عمل و او فاصله‌ای دور می‌بود. و خداوند شما را از (مخالفت امرش) بر حذر می‌دارد و (در عین حال) خداوند به بندگان مهربان است.» یعنی عمل انسان می‌تواند به او دور یا نزدیک باشد و این ظهور در جداشدن عمل از انسان دارد.

جمله ﴿وَلَنْ يَتَمَنَّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ﴾ (بقره: ۹۵/۲) که مضامین آن در سوره جمعه آیه ۷ تکرار می‌شود کنایه از عمل است، از این جهت که بیشتر اعمال ظاهری انسان، با دست انجام می‌شود، و انسان بعد از انجام، آن را به هر کسی که بدردش بخورد و یا از او بخواهد، تقدیم می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۴۳). چیزی را که بتوان بخشید، یعنی جدای از اوست و مفاهیم دیگری چون حبط و ... می‌تواند بر این امر شاهد باشد. پس انرژی و نیروی به کار گرفته شده توسط انسان، هر زمان به تولید و توالد بیانجامد، عمل نامیده می‌شود که از انسان جدا می‌گردد و اگر صرف نیرو در جهت معین مد نظر قرار بگیرد سعی است. در واقع آیه می‌خواهد بگوید که سعی انسان اگر به تولید هم منجر نشود که در بسیاری از مواقع نمی‌شود، مورد توجه خداوند است و به آن نیز پاداش و جزا تعلق می‌گیرد: ﴿ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى﴾ (نجم: ۴۱/۵۳).

یافته ششم: سعی انسان در روز قیامت دیده می‌شود و به آن پاداش تعلق می‌گیرد.

۳-۱-۶- هم‌نشینی با «ضلّ»

در آیه ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (کهف: ۱۸/۱۰۴) سعی با ضلّ هم‌نشین شده است. معنای اصلی این واژه در مقابل هدایت یافتن است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۴۰) و هدایت به معنی یافتن راه است پس ضل به معنای گم شدن است. با بازنمایی بافت موقعیتی در آیات ۱۰۳ و ۱۰۵ همین سوره متوجه خواهیم شد که برای «عمل» انسان واژه «خسر» و «حبط» به کار رفته است، درحالی‌که برای سعی واژه «ضلّ» استفاده شده است و نتیجه اینکه سعی چون از جنس انرژی و نیروست، هرگز نابود نمی‌شود، بلکه گم می‌شود یعنی از دسترس فرد خارج گردیده و دیگر نمی‌تواند از آن بهره‌مند شود و این امر در حیات دنیوی او اتفاق می‌افتد و کسانی که سعی آن‌ها گم شده است، هم از راه منحرف شده‌اند و هم گمان می‌کنند که راه درست را انتخاب کرده‌اند و در حقیقت در خسران مضاعف و جهل مرکب هستند. جمله «يُحْسِنُونَ صُنْعًا» کمیت نیروی بکار گرفته شده را نشان می‌دهد، زیرا صنع عملی بر اساس مهارت، علم و دقت است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۳۴۶) و چنین عملی که هر سه ویژگی مطرح‌شده را دارا باشد، یقیناً برای انجامش نیروی زیادی را باید صرف کرد. فخر رازی می‌گوید: «کسی که اعمالی را انجام می‌دهد و به امید ثواب در روز قیامت، خود را خسته می‌کند، ولی به دلیل کفرش پذیرفته نمی‌شود» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ص ۵۰۱). همان‌طور که ملاحظه می‌شود کلام فخر رازی دلالت بر استفاده این افراد از تمام نیرو و توان را دارد تا جایی که حتی در این

راه به سختی می‌افتند. بافت موقعیتی بازنمایی شده در آیات ۱۰۳-۱۰۵ نشان می‌دهد که این افراد نسبت به مبدا، معاد و رسالت انبیاء، کافر هستند و همین کفر جهت بردار نیرو را معکوس و غیر الهی می‌کند.

یافته هفتم: توان و نیرویی از انسان که در جهت غیر الهی و در حیات دنیایی او بکار رفته است، گم می‌شود.

۳-۱-۷- هم‌نشینی با مشکور

واژه مشکور در همراهی سعی تنها در دو آیه آمده است: ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾ (اسراء: ۱۷/۱۹) و ﴿إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ (انسان: ۲۲/۷۶). می‌توان گفت: به دلیل پاداش مشترک و اختصاصی که به هر دو گروه داده می‌شود، آیه اول تفصیل آیه دوم است. هم‌نشینی سعی با مشکور نشان‌دهنده نوع ویژه‌ای از سعی است. اراده به معنای طلب همراه با اختیار و انتخاب است و از لوازم این معنا در خارج؛ رفت و آمد، نگاه کردن، تردد، حالت اضطراب، نبود آرامش تا رسیدن به مرحله انتخاب کردن و برگزیدن است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۸۴). انسان در برابر دو گزینه آخرت و دنیا، آخرت را بر می‌گزیند، اما فقط انتخاب کافی نیست، بلکه برای رسیدن به درجه مشکور رب شدن، نیازمند فرآیندی است که بافت زبانی آیه آن را به صراحت بیان می‌کند. در توضیح سعی مشکور آمده است: «معنی این نیست که خداوند شکرگذار او باشد، بلکه او باید شکر این توفیق را بکند بلکه خداوند او را مورد عنایات و تفضلات خود قرار می‌دهد و پسندیده او می‌شود» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۳۵) و این پسندیده شدن امکان ندارد، مگر اینکه انسان در حیات دنیایی خود تمام توان و نیروی خود را به کار گیرد و در تمام طی مسیر، جهت درست آن را مد نظر داشته باشد. جمله «هُوَ مُؤْمِنٌ» نیز به همین نکته اشاره دارد. آیه فوق الذکر از سوره انسان چگونگی و کیفیت این نیرو و توان را نشان می‌دهد. بافت موقعیتی آیات (۱۰-۷) نشان‌دهنده دو اقدام عملی و سه باور قلبی ابرار سوره است و نشان می‌دهد که مبنای سعی آن‌ها همین باورهای است که منجر به صرف نیرویی وافر در آن‌ها می‌شود که حتی نیازمندی خودشان هم مانع اعمال آن نمی‌شود. اعتقاد به معاد و ترس از مجازات‌های آن و عمل بر اساس «وجه الله» که به توحید خالص بر می‌گردد، کیفیت و جهت بردار نیرو را نشان می‌دهد، به قول علامه طباطبایی، خوشا به حالشان که با چه کلام پاکیزه‌ای خطاب می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۱۰).

یافته هشتم: انسان مؤمن با اراده آخرت و اعمال تمام توان و نیرو، می‌تواند مشکور رب العالمین گردد.

اکنون لازم است با بررسی مؤلفه‌های معنایی سعی در آیات قرآن کریم، ضمن آزمون نتایج پیش گفته، مؤلفه‌های معنایی واژه سعی را از هم‌نشینی با کلمات دیگر و همچنین از راه بافت موقعیتی و زبانی آیات آزموده و حوزه معنایی سعی در قرآن کریم را به دست آورده و سپس مدل سعی انسان ترسیم شود.

۳-۱-۸- حصر مالکیت در سعی

آیه ۳۹ سوره مبارکه نجم ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ حاکی است که برای انسان چیزی وجود ندارد جز آنچه که سعی نموده است. «لام» در «للانسان» لام مالکیت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۵) که نشان می‌دهد که انسان فقط مالک سعی خویش است و با «إلا» این انحصار را تأکید می‌بخشد و هم‌چنین او بهره‌ای از سعی دیگران ندارد. «آنچه انسان مالک آن است کمالات و ذات و ذاتیات خود انسان است که با سعی و حرکت ارادی کسب نموده است و از آثار خیر و شر آن برخوردار خواهد بود» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۳۱). خداوند در ادامه می‌فرماید این سعی بزودی (روز قیامت) دیده خواهد شد. این سعی شامل همه انسان‌ها می‌شود. همان‌طور که در آیات قبل آن اشاره می‌کند که در کتب انبیاء پیشین نیز آمده است و در تکوین خلقت انسان، چنین رقم خورده است که تنها چیزی که انسان صاحب آن است همان انرژی و نیرویی است که در زندگی به کار گرفته است که می‌تواند زیاد یا کم و در جهات مختلف باشد و برای انسان در آخرت چیزی سود نمی‌دهد، مگر سعی او در دنیا که ممکن است به نتیجه برسد که همان عمل است؛ و یا نتیجه‌ای در بر نداشته باشد. نکته قابل توجه اینکه در این آیه «سعی» نه «عمل» انسان مد نظر است، زیرا آنچه از اعمال انسان به دست می‌آید ممکن است به دیگری واگذار شود، اما سعی نیرو است و قابل واگذاری نبوده و از انسان جدا نمی‌شود. یافته نهم: سعی تنها چیزی است که انسان مالک حقیقی آن است.

۳-۱-۹- یادآوری سعی

در آیه ﴿يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى﴾ (نازعات: ۳۵/۷۹) انسان در روز قیامت آنچه که سعی نموده به یاد می‌آورد. «یتذکر از ریشه ذکر به معنی یادآوری و در مقابل غفلت و فراموشی است. این معنا اعم از یادآوری قلبی و زبانی است و چون از باب تفعّل است بر شدت و فزونی درجهت وقوع و نسبت به مفعول به دلالت دارد (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۳۴۳). جمله «ما سعی» در محل مفعول به قرار دارد؛ یعنی این شدت یادآوری به سعی تعلق می‌گیرد و معنای آیه این است که روزی که انسان، توان و نیرویی که صرف نموده است تا بتواند به اهدافش برسد، در جهت الهی یا غیر آن (جهت وقوع)، تمام و کمال به یاد می‌آورد. انسان در روز قیامت نه تنها نتیجه اعمالش را می‌بینند، بلکه میزان انرژی و توانی که برای آن کار گذاشته و نیتی که برای آن داشته است؛ یا به معنایی دیگر کمیت و کیفیت آن را به یاد می‌آورد.

یافته دهم: انسان در روز قیامت میزان نیرو و توانی که برای انجام امورش صرف کرده و جهت آن را به یاد می‌آورد.

۳-۱-۱۰- جزا پذیری سعی

در آیه ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا يُتَجَزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى﴾ (طه: ۱۵/۲۰) بعد از بحث توحید و وجوب عبادت خداوند و اثبات روز جزا، آمدن حتمی قیامت را مطرح می‌کند. البته در کتاب خدا مکرر این خیر و روشن نبودن زمان وقوع آن آمده است. در این آیه به نکته دیگری نیز اشاره دارد و آن پنهان داشتن زمان وقوع، به علت حاکم بودن نظام پاداش و جزا در عالم است، در ادامه می‌فرماید که این جزا به چه چیزی تعلق می‌گیرد و آن سعی انسان است. در واقع عادل بی‌همتای عالم هستی، توان و نیرویی که انسان به کار گرفته تا کاری را انجام دهد؛ حتی اگر به تولید و توالد و عمل هم نینجامیده باشد را می‌بیند و این نهایت عدالت است و سبب می‌شود که انسان لحظه‌ای از سعی نایستد و در این راه نتیجه را به خداوند واگذار کند و از آن طرف گروهی مانند منافقین که در زمان رسول خدا سعی بسیاری نمودند تا بنای نو بنیاد اسلام را منهدم کنند، اما به مقصود نرسیدند از مجازات‌های الهی معاف نگردند.

یافته یازدهم: توان و نیرویی به کار گرفته شده توسط انسان، در روز قیامت جزا داده می‌شود.

۳-۱-۱۱- رضایت از سعی

آیه ﴿لَسَعِيهَا رَاضِيَةٌ﴾ (غاشیه: ۹/۸۸) انسانی را به تصویر می‌کشد که در قیامت نیرو و توانی را که در دنیا صرف کرده، سودمند می‌یابد و از سعی خود در دنیا راضی است، زیرا مشاهده می‌کند که علت بهشت رفتن، همان سعی اوست و به همین جهت چهره‌اش از بهجت و سروری برخوردار است که از باطن به ظاهر سرایت می‌کند. ﴿وَجُوهٌ يُّؤْمِنُونَ نَاعِمَةٌ﴾ (غاشیه: ۸/۸۸). کمیت نیرویی که در دنیا صرف کرده، از وضعیت او در آن دنیا به خوبی روشن می‌شود (غاشیه: ۴/۸۸-۱۰-۱۶) و از آن طرف، رضایتش، نشان از جهت الهی بردار سعی او در دنیا دارد. یافته دوازدهم: نتایج سعی نیکوی انسان در آخرت مورد رضایت او قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱۲- توجه به عرصه‌های الهی سعی

آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ﴾ (جمعه: ۹/۶۲) وظیفه یک انسان مؤمن در هنگام برگزاری نماز جمعه را ذکر می‌کند. در روایتی از قول امام صادق چنین نقل می‌شود: «سعی کنید و عمل کنید برای آن و ... آن کوتاه کردن شارب و گرفتن ناخن و ... غسل و پوشیدن بهترین لباس‌ها و بکارگیری بوی خوش در روز جمعه است، این معنای سعی است» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۷). به نظر می‌رسد با توجه به معنای پایه سعی که صرف توان و نیرو و تلاش بر حسب اقتضانات موضوع است، بتوان به یک جمع‌بندی از معانی واژه سعی رسید. اینکه گفته شده سعی، یعنی قصد، واضح است که انسان برای انجام امورش خاصه عبادت باید قصد کند و در جایی که

بعضی مقدماتی را ذکر کرده‌اند مثل غسل و ... لازم است که برای هر کاری مقدماتی را برحسب اقتضائات همان کار فراهم آورد تا بتواند به نتیجه برسد. توجه به سیاق آیه کمک شایانی به درک مطلب می‌کند. در آیه، «فاسعوا» و «ذروا» هر دو جواب شرط هستند و بر یکدیگر عطف شده‌اند. در معنای «ذرو» گفته‌اند: «ترک توجه به چیزی که بر حسب موارد مختلف متفاوت است و از مترادف‌هایش مانند ودع، شدیدتر است» (مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱۳، ص ۳۳۷). در اینجا یک سلب شدید (ذرو) و یک ایجاب (سعی) داریم که آن هم بنا به سیاق آیه حتماً با شدت همراه است. پس در واقع آیه می‌خواهد بگوید: با قصد و نیت به سوی نماز و با تهیه مقدمات حرکت کن و هیچ چیز مانع تو از شرکت در نماز نشود. در اینجا سعی کردن به معنی صرف نیرو و توان در جهت هدف همراه با تهیه مقدمات، با توجه به اقتضائات موضوع می‌باشد که نشان‌دهنده اهمیت نماز جمعه، به عنوان عبادتی سیاسی اجتماعی است.

یافته سیزدهم: ضرورت تعطیل کردن عرصه‌های غیر الهی سعی، برای ورود به صحنه‌های سعی الهی.

۳-۱-۱۳ - سعی در مبارزه با انبیاء

آیه ﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾ (نازعات: ۲۰/۷۹) اشاره به ماجرای نشان دادن معجزه حضرت موسی (ع) به فرعون است. آیه ۲۲، ﴿ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى﴾ جریان پس از این واقعه را نقل می‌کند. فرعون پس از دیدن معجزه حضرت موسی (ع) بر می‌گردد تا با او به ستیزه برخیزد و معجزه او را باطل کند. بافت موقعیتی بازنمایی شده در آیات ۲۱-۲۵ نشان می‌دهد که فرعون نه تنها جناب موسی (ع) را تکذیب کرد، بلکه عصیان ورزید و بازگشت و تمام نیرویش را در جهت بی‌اعتباری موسی (ع) و خدایش به کارگرفت از جمله اینکه ساحران را برای ابطال معجزه موسی (ع) جمع کرد، مردم را گرد آورد و ادعای رب‌اعلی بودنش را تکرار کرد، پس از نظر به کارگیری توان و نیرو، نهایت کاری را که از دستش ساخته بود، انجام داد، فراوانی سعی در بازنمایی بافت موقعیتی آیات مشهود است. ادعای خدایی کردن، تکذیب رسول الهی و ... مبین این است که جهت غیر خدایی را برگزیده است. یافته چهاردهم: سعی انسان می‌تواند جهت غیر الهی و در ضدیت با مقاصد انبیاء باشد.

۳-۱-۱۴ - سعی در همراهی انبیاء

آیه ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (صافات: ۱۰۲/۳۷) درباره ماجرای ذبح حضرت اسماعیل (ع) توسط پدرش حضرت ابراهیم (ع) است. بافت زبانی آیات، سعی را به خوبی تبیین می‌کند؛ جناب ابراهیم (ع) بعد از دیدن خواب، با پسرش مشورت می‌کند و این نشان‌دهنده این مهم است که قوه اختیار در حضرت اسماعیل (ع) فعال شده است. پاسخ پسر هم بر این امر گواه خوبی است؛ آنجا که به پدر می‌گوید: مأموریت خود را انجام بده و من را از صابران خواهی یافت. نتیجه آن‌که اراده و اختیار از لوازم انجام سعی است که در آن زمان حضرت

(مصطفوی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۲). در بعضی از روایات به نوع پرندگان هم اشاره شده است: «عقاب»، «اردک»، «طاووس» و «خروس» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۹۸). این که این پرندگان چه بوده‌اند، مورد بحث نیست و خداوند هم سخنی در این باره نگفته است، بلکه نکته مهم این است که گرچه نوع حرکت آن‌ها متفاوت است، ولی هر کدام بر حسب طبیعت خود به سوی حضرتش حرکت نمودند. این حرکت نشان‌دهنده صرف نیرو و توان است که از مشخصه‌های موجود زنده است و معنی آیه چنین می‌شود: «به سوی تو می‌آیند درحالی که زنده می‌شوند».

ب) آیه ﴿فَالْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى﴾ (طه: ۲۰/۲۰) اشاره به معجزه تبدیل شدن عصای حضرت موسی (ع) به مار دارد. خداوند به عصای بی‌جان آن حضرت، جان داد، یک جسم بی‌جان و غیرفعال به موجودی زنده، تبدیل گردید که حتی جناب موسی (ع) را ترساند چنانکه در آیه ۲۱ به حضرت موسی (ع) می‌فرماید: «لاتخف» و همین ترس نشان می‌دهد که واقعاً عصا به ماری زنده و واقعی که به سرعت هم حرکت می‌کند، تبدیل شده بود و ترس از یک مار آن هم با ایجاد ناگهانی، کاملاً طبیعی و متعارف است. از لوازم حرکت، به کارگیری انرژی و تبدیل آن به نیرو است و حرکت جز از موجود زنده انتظار نمی‌رود و معنای آیه این می‌شود که: «موسی عصا را انداخت و در دم به صورت ماری زنده درآمد».

ج) آیه ﴿يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى﴾ (طه: ۶۶/۲۰) به مقابله ساحران با حضرت موسی (ع) پرداخته است. آن‌ها ریسمان‌های خود را به ظاهر به مارهایی تبدیل می‌کنند و حرکت آن‌ها به گونه‌ای است که انگار مارهای واقعی با همه توان حرکت می‌کنند. در این رویارویی به دلیل تبخّر ساحران، تخیل حیات واقعی برای بینندگان ایجاد شده است. «به هر حال از احساس ترس موسی (ع) بر می‌آید که ساحران سحری نشان داده‌اند که شبیه به معجزه و نزدیک به آن بوده، هر چند که با همه عظمتش سحر و خالی از حقیقت بوده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۴۸). سحر علمی است که در دیده و فکر اثر می‌گذارد، بی‌آنکه خارج را منقلب کند، یعنی سحر آنها ریسمان‌ها و چوب‌دستی‌ها را مبدل به شیء متحرک نکرد، بلکه به خیال موسی چنین آمد و در چشم آنها چنین دیده شد، اما معجزه واقع را تغییر می‌دهد و عصای موسی واقعاً به مار تبدیل می‌گردید (قرشی بنابی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۱۹).

حتی حضرت موسی (ع) هم نگران می‌شود که مبادا مردم این جادوگری را باور کنند و از این رو، قرآن آن را سحر بزرگ نامیده است: ﴿وَجَاؤَا بِسِحْرِ عَظِيمٍ﴾ (اعراف: ۱۱۶/۷) نامیده است. یعنی آنچه در قدرت داشته‌اند به کار برده و مردم را به شدت مرعوب کرده‌اند. پس اگرچه زندگی بخشیدنی در بین نبود، ولی در اذهان بینندگان این گونه جلوه داده شد و در واقع، زنده‌نمایی اتفاق افتاد. معنای آیه این است: به نظر موسی چنان می‌آمد که چوب‌ها و ریسمان‌ها زنده هستند و حرکت می‌کنند.

د و ه) در دو آیه ذیل سعی به نور مؤمنین نسبت داده شده است: ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾ (حدید: ۱۲/۵۷) و ﴿يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى

بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ ﴿١٦٦﴾ (تحریم: ۸/۶۶). اگر به بافت موقعیتی بازنمایی شده در آیات دو سوره توجه شود، نتایج قابل توجهی حاصل می‌گردد. آیه ۷ سوره تحریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾، یعنی ای کافران تنها به آنچه عمل کرده‌اید جزا داده می‌شوید. در آیه ۱۳ سوره حدید وقتی منافقین از مؤمنین در قیامت تقاضای نور می‌کنند، آن‌ها در جواب می‌گویند: برگردید و برای خود نوری بیاورید. با استناد به این آیات روشن می‌گردد که نور مؤمنین تجسم اعمال آن‌هاست که در قیامت زنده شده و با توجه به عملکرد آن‌ها در دنیا، آشکار می‌گردد. در آیه سوره اعراف نیز می‌خوانیم: ﴿وَاتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ﴾ (اعراف: ۱۵۷/۷): «از نوری (قرآنی) که به وی نازل شده پیروی کرده‌اند». به زبان دیگر، اگر از قرآن - که نور است - پیروی کردید، اعمالتان به صورت نوری در می‌آید و همین نور با تمام توان و نیرو شما را به سمت بهشت می‌کشاند. ﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا﴾ (زمر: ۷۳/۳۹). سرعت این نور را کمیت و کیفیت اعمال انسان در دنیا تعیین می‌کند و هرچه ضرب این دو بزرگتر، نور بیشتر و به تبع آن سرعتش هم بیشتر خواهد بود.

یافته پنج آیه: سعی در مورد موجود غیر زنده، با احیاء آن‌ها صورت می‌گیرد، خواه احیای واقعی باشد و یا به تصور بیننده‌ای باشد که آن را مشاهده می‌کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده به این نتیجه می‌رسیم که سعی فرآیندی است که با تولید انرژی، تبدیل به نیرو می‌شود و صرف نیرو، سبب تغییر و حرکت می‌گردد. مؤلفه‌های اصلی «سعی» عبارتند از: زنده بودن، صرف نیرو و انرژی، حرکت، جهت حرکت در مورد انسان دارای اراده و اختیار و فراوانی (کیفیت) بر حسب اقتضانات موضوع است. سعی در مورد موجود ذی‌شعور مقدمه، لوازم و نتیجه‌ای دارد. از مقدمات آن قصد، اراده، اختیار و انتخاب است و لوازم آن را موضوع تعیین می‌کند و برحسب آن متغیر است و از نتایج آن تحرک و جنبش به سمت هدف است. مقدار سعی قابل اندازه‌گیری است، چون نیرو بردار است و دارای کمیت و کیفیت است. بافت موقعیتی بازنمایی شده در آیات و بافت زبانی هر آیه ما را در سنجش این نیرو کمک خواهد کرد. برای مثال افعال اظلم (بقره: ۱۱۴/۲) و یحاریون (مائده: ۶۴/۵)، و سعیا (الاسراء: ۱۹/۱۷) و ... نشانگر سعی وافر هستند و همچنین نوع پاداش‌ها و مجازات‌ها که متناسب با نوع سعی آورده شده است.

سعی در قرآن در مورد موجود غیر زنده، با احیاء آن‌ها صورت می‌گیرد، خواه احیای واقعی باشد و خواه به تصور بیننده‌ای باشد که آن را مشاهده می‌کند. سعی در قرآن برای خداوند نیامده است. این تعریف از سعی می‌تواند تمام تعاریف لغت‌شناسان و مفسران را پوشش دهد. زمانی آن را به مقدمات (قصد) و زمانی که به نتایج (عمل) تعریف کرده‌اند. اگر فعل انسان در عالم خارج تحقق یابد و به تولید و توالد برسد، عمل اتفاق افتاده است

و در حقیقت عمل از سعی یک مؤلفه بیشتر دارد و آن [رسیدن به تولید در عالم خارج] است و وقتی این اتفاق بیافتد، این تولید از انسان جدا می‌شود و به همین دلیل عمل، حبط می‌شود (بقره: ۲/۲۱۷، آل عمران: ۳/۲۲ و... درحالی‌که سعی گم (کهف: ۱۸/۱۰۴) می‌شود، زیرا انرژی و نیرو در جهان نابود نمی‌شود. در «عمل» آنچه قابل اندازه‌گیری است، تولیدی است که انجام شده است و از فاعل جدا گردیده و به وسیله آن قضاوت می‌شود و ممکن است در حین حیات دنیوی وی نابود گردد. و زمانی به مصادیق آن، عدو، مشی، ذهاب و... معنی گردیده که بر حسب اقتضائات موضوع، سریع یا آرام انجام گرفته است. آیات سرعتی را ذکر نکرده‌اند، بلکه اقتضائات موضوع سرعت را تعیین می‌کند. در آن جا که سعی به تلاش، توسط مفسران معنی شده است، بدیهی است که هیچ تلاشی برای انسان صورت نمی‌گیرد، مگر به صرف انرژی و نیرو، و چون انسان موجودی انتخاب‌گر است، یقیناً این تلاش جهت‌دار است. همراهی «جاء» با سعی نشان می‌دهد که پیمودن مسافت موضوعیت دارد و در واقع صرف انرژی و نیرو برای رسیدن از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر برای دست‌یابی به هدف مطرح است که قاعدتاً با حرکت انجام می‌شود.

در پنج مورد از قرآن سعی به غیر انسان نسبت داده شده است. در تمامی آیات زنده شدن و «حرکت» به عنوان لازمه آن، مشهود است. آیات ۶۶ و ۲۰ طه تبدیل عصای موسی (ع) و ریسمان ساحران به مارها نشانگر حیات آن دو است؛ چه واقعی و یا واقع نما، و این زندگی بخشیدن به فعل «تسعی» نسبت داده شده است. چه فقط موجود زنده قادر به حرکت است و هر دو آنچنان حرکت می‌کنند که باعث خوف حضرت موسی (ع) می‌شوند. در آیه ۲۶۰ بقره جناب ابراهیم، پرندگان فاقد حیات را فرا می‌خواند و معنا چنین می‌شود که به سوی او به حرکت در می‌آیند و حرکت جز از موجود زنده گمان نمی‌رود. پس در واقع زنده می‌شوند و با تمام توان و نیرو به سوی ایشان پرواز می‌کنند. در آیات ۱۲ حدید و ۸ تحریم سخن از سعی نور مؤمنین است و با توجه به بافت موقعیتی آیات این نور تجسم اعمال آن‌هاست که در قیامت زنده شده است و با همه انرژی و توان مؤمنین را به سمت بهشت می‌کشاند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه: موسوی همدانی، محمدباقر قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
- نهج البلاغه؛ تدوین شریف رضی، محمد بن حسین، ترجمه: دشتی، محمد، قم: نشر مشهور، ۱۳۷۹ ش.
- ۱- آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان؛ تفسیر القرآن العظیم؛ ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ ق.
- ۳- ابن منظور، محمد؛ لسان العرب؛ بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
- ۴- ابن سیده، علی ابن اسماعیل؛ المحکم و المحيط الاعظم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۵- اکبری راد، طیبه؛ معنانشناسی عمل صالح و حوزه‌های معنایی مرتبط با آن در قرآن کریم؛ تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ ش.
- ۶- امینی، فریده؛ معنانشناسی «امام» در قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه الزهراء(ع)، ۱۳۹۲ ش.
- ۷- ایزوتسو، توشیهیکو؛ خدا و انسان در قرآن؛ ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸ ق.
- ۸- پالمر، فرانک رابرت؛ نگاهی تازه به معنانشناسی؛ ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۶ ش.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسرا، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۰- حسینی همدانی، محمد؛ انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ ایران: انتشارات لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۱- خوانین‌زاده، محمدعلی؛ معنانشناسی اسماء الحسنی در قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۲- درویش، محیی‌الدین؛ اعراب القرآن الکریم و بیانیه؛ حمص: الارشاد، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۳- راستگو، کبری، و فرضی شوب، فرشته؛ «بررسی هم معنایی در گفتمان قرآن بر پایه تحلیل مؤلفه‌ای»؛ فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۶، ۱۳۹۶ ش.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۵- زبیدی، مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ۱۶- زجاج بغدادی، ابواسحاق ابراهیم بن سری؛ اعراب القرآن و معانیه؛ قم: دارالتفسیر، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۷- سلیمانی، حدیثه؛ «وجوه معنایی سعی در قرآن»؛ چهارمین همایش ملی قرآن کریم، تبریز: دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۸- صفوی، کوروش؛ درآمدی بر معنانشناسی؛ تهران: نشر سوره مهر، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۹- _____؛ فرهنگ توصیفی معنانشناسی (نسخه دوم)؛ تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۴ ش.
- ۲۰- طباطبایی، سید محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسین؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۲- طریحی، فخرالدین؛ *مجمع البحرین*؛ تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۳- طبیب، عبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: اسلام، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۴- عبد الباقی، محمد فواد؛ *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن*؛ مصر: دارالکتب المصریة، ۱۳۶۴ ق.
- ۲۵- فخر رازی، محمد بن عمر. *التفسیر الکبیر*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۶- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *کتاب العین*؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۴۹۰ ق.
- ۲۷- قرانتی، محسن؛ *تفسیر نور*؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۸- قرشی بنابی، علی اکبر؛ *تفسیر احسن الحدیث*؛ تهران: مرکز چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۹- _____؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- ۳۰- قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
- ۳۱- لاینز، جان؛ *درآمدی بر معناشناسی زبان*؛ ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر علمی، ۱۳۹۱ ش.
- ۳۲- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ اکبری راد، طیبه؛ «کاربردهای معناشناسی در قرآن کریم»؛ صحیفه مبین، ش ۳۹، ۱۳۸۵ ش.
- ۳۳- مصطفوی، حسن؛ *تفسیر روشن*؛ تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ ش.
- ۳۴- _____؛ *التحقیق فی کلمات القرآن*؛ تهران: وزارت ارشاد، ۱۴۱۶ ق.
- ۳۵- مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
- ۳۶- نکونام، جعفر؛ *درآمدی بر معناشناسی قرآن*؛ قم: انتشارات نینوا، ۱۳۹۰ ش.